



احمد شوقي
(۱۸۶۸-۱۹۳۲)



عربی یازدهم



علوم تجربی | ریاض و فیزیک

ویژه ارتقاء معدل

+ بیست و چهار ساعت فیلم آموزشی اختصاصی

مؤلف:
دکتر علی رستگار

نسل جدید

نسل قدیم

- ترجمه کلمه به کلمه و روان متن درس
- ارائه واژگان به همراه مترادف، متضاد، مشابه و جمع مکسر
- پاسخ به کلیه تمرین های کتاب درسی
- ارائه قواعد کامل درس به همراه مثال
- ارائه ۱۱۸۵ پرسش امتحانی طبقه بندی شده همراه با پاسخ تشریحی



+ بیست و چهار ساعت فیلم آموزشی اختصاصی

آنچه نسل جدید عربی یازدهم سیر تا پیاز را متمایز می کند...

دکتر آی کیو
DRIQ.com
آموزش برای همه

گاج مارکت
gajmarket.com
فروشگاه آنلاین

گاجینو
gajino.com
آموزش آنلاین

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۳۰-۰۸۳۸-۶
9 786220 308386

مقدمه مؤلف

سلام دوستان

درس عربی همواره یکی از پراهمیت‌ترین دروس دوره متوسطه بوده است و از زمان اجرای مصوبه جدید کنکور و اهمیت نمره امتحانات نهایی و نگاه ویژه دانش‌آموزان به این درس، بسیار پراهمیت‌تر از قبل گشته است. در عربی دهم با جمع‌بندی عربی متوسطه اول و با مواردی به مراتب ساده‌تر از عربی یازدهم آشنا شدیم. آنچه که همیشه به دانش‌آموزان عزیز تأکید کرده‌ایم این است که در این درس به دنبال حفظ کردن مطالب نباشید و اگر به این کار علاقه دارید آن را فقط برای یادگیری لغات به کار بگیرید به این دلیل که یادگیری درس عربی نیاز به فهمیدن دارد نه فقط حفظ کردن عبارات و تمارین؛ به خصوص در عربی یازدهم این قضیه نمود بیشتری پیدا می‌کند و یادگیری مطالب به فهم و درک به مراتب بیشتری نیاز دارد. به عبارت دیگر اگر عربی یازدهم را به شیوه حفظی دنبال می‌کنید و آن را به صورت مفهومی یاد نمی‌گیرید، کسب نمره خوب در آن به امری سخت و غیرممکن تبدیل خواهد شد. به همین سبب از شما انتظار می‌رود از همین امروز، یادگیری این درس را به صورت مفهومی در دستور کار خود قرار دهید. ما برای کمک به شما، خلاصه مطالب عربی سال گذشته را در ابتدای کتاب با عنوان مروری بر قواعد عربی دهم آورده‌ایم؛ پس از آن، لغات، مترادف‌ها، متضادها و کلمات مشابه تمامی دروس به همراه ترجمه کلمه به کلمه و روان متن درس، شرح قواعد و ترجمه و حل تمارین آمده است. در پایان هر درس نیز سؤالات امتحانی تألیفی و هماهنگ گنجانده شده است. در سؤالات تألیفی سعی شده است که تعداد بیشتری از آن‌ها به موارد پراهمیت‌تر - ساخت و ترجمه ماضی استمراری، ماضی بعید، ماضی منفی با «لم»، مضارع التزامی، مستقبل منفی و ... - اختصاص یابد و باز هم تأکید می‌کنیم که تمامی این موارد نیاز به یادگیری و درک موضوع دارد و شایسته است آن‌ها را به صورت مفهومی یاد بگیرید.

امیدواریم با خواندن این کتاب در عربی یازدهم نیز همانند عربی دهم، نمره بیست بگیرید. در پایان بر خود واجب می‌دانم از مدیریت محترم انتشارات بین‌المللی گاج و تمامی پرسنل زحماتکش آن به ویژه دوستان و سروران عزیز جناب آقای محمد جوکار و ابوالفضل مزرعتی صمیمانه تشکر کنم.

موفقیت شما آرزوی ماست.

دکتر علی رستگار (فیلی)

فهرست

FILM	پاسخ	سؤالات	درسنامه
—	—	—	۸
307 min	۱۲۴	۲۹	۲۰
194 min	۱۲۶	۴۳	۳۴
187 min	۱۲۹	۵۸	۴۸
170 min	۱۳۱	۷۲	۶۴
161 min	۱۳۴	۸۴	۷۷
196 min	۱۳۶	۱۰۰	۹۱
188 min	۱۳۸	۱۱۶	۱۰۸

مروری بر قواعد عربی دهم

درس اول: مِنْ آيَاتِ الْخُلُقِ

درس دوم: فِي مَخْصَرِ الْمُعَلِّمِ

درس سوم: عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

درس چهارم: آدَابُ الْكَلَامِ

درس پنجم: الْكَذِبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ

درس ششم: أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلِ

درس هفتم: تَأْثِيرُ اللَّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

آزمون



۱۵۵	آزمون ۶: خرداد ۱۴۰۲ (نوبت عصر)
۱۵۸	آزمون ۷: خرداد ۱۴۰۲ (ویژه غائبین)
۱۶۱	آزمون ۸: شهریور ۱۴۰۲
۱۶۴	آزمون ۹: شهریور ۱۴۰۲ (ویژه غائبین)
۱۶۷	پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۹

۱۴۲	آزمون ۱: نوبت اول
۱۴۴	آزمون ۲: نوبت اول
۱۴۷	آزمون ۳: نوبت دوم
۱۴۹	آزمون ۴: نوبت دوم
۱۵۲	آزمون ۵: خرداد ۱۴۰۲ (نوبت صبح)



دُرسنامہ

وسئالات تشریحی



مروری بر قواعد عربی دهم

معرفی سه نوع کلمه

کلمه در عربی سه نوع است:

• اسم

• فعل

• حرف

۱ اسم: کلمه‌ای است که برای نامیدن (اشخاص، اشیاء و ...) از آن استفاده می‌شود، **مانند:** الكتاب، القلم، المدرسة و...

۲ فعل: کلمه‌ای است که بر انجام دادن کاری یا پدید آمدن حالتی در زمان گذشته، حال و یا آینده دلالت دارد؛ **مانند:** ذَهَبَ (رفت)، یذهبُ (می‌رود)، سیدهبُ (خواهد رفت)

۳ حرف: کلمه‌ای است که به خودی خود، مفهوم مستقل و کاملی ندارد، به عبارت دیگر هر کلمه‌ای که نه اسم باشد و نه فعل، حرف محسوب می‌شود؛ **مانند:** مِن (از)، فِي (در)، إِلَى (به)، بِه (به سوی)

نشانه‌های شناخت اسم

۱ هر کلمه‌ای که «ال» داشته باشد؛ **مانند:** المعلم، التلميذ، القلم و ...

۲ هر کلمه‌ای که تنوین (ـٌ) داشته باشد؛ **مانند:** معلمٌ، تلميذاً، قلمٌ و ...

۳ هر کلمه‌ای که مضاف (اضافه شده) باشد؛ **مانند:** معلم المدرسة، كتابه و ...

۴ هر کلمه‌ای که آخر آن تاء گرد «ة» باشد؛ **مانند:** مدرسة، تلميذة و ...

۵ هر کلمه‌ای که پس از حروف جر (من، إلى، في و ...) بیاید؛ **مانند:** مِنَ المدرسة، إِلَى البيت و ...

اسم از نظر جنس

۱ مذکر: اسمی است که بر جنس «نر» دلالت دارد؛ **مانند:** محمد، محمود، الديك (خروس) و الثور (گاو نر).

۲ مؤنث: اسمی است که بر جنس «ماده» دلالت دارد؛ **مانند:** خديجة، فاطمة، الدجاجة (مرغ)، البقرة (گاو ماده).

• هر اسمی در عربی یا مذکر است یا مؤنث.

• علامت اصلی اسم مؤنث «ة» است؛ **مانند:** طالبة، تلميذة، اما مذکر نشانه ندارد؛ **مانند:** طالب، تلميذ.

• اسم‌هایی مانند جزیره و شجرة چون علامت «ة» دارند، مؤنث به شمار می‌آیند.

اسم از نظر عدد (تعداد)

۱ مفرد: اسمی است که بر یک شخص یا یک چیز دلالت می‌کند؛ **مانند:** التلميذ، المعلم، المدرسة و ...

۲ مثنی: اسمی است که بر دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و دو علامت دارد:

• «ان»: طالبان، طليتان، معلمان، معلمتان.
• «َين»: طالِبَينِ، طليِبَينِ، معلَمَينِ، معلَمَتَينِ.



۳۷ جمع: اسمی است که بر بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و تقسیم می‌شود به:

- الف) «جمع مذکر سالم»؛ که با افزودن «وَنَ» یا «یَنَ» به انتهای اسم مذکر ساخته می‌شود؛ مانند: معلّم + «وَنَ» یا «یَنَ» ← معلّمون، معلّمین.
 ب) «جمع مؤنث سالم»؛ که با افزودن «ات» به انتهای اسم مؤنث (البته پس از حذف «ة») ساخته می‌شود؛ مانند: معلّمة + ات ← معلّمات.
 ج) «جمع مکسر»؛ یعنی «شکسته» که در آن شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند و به عبارتی در هم می‌شکند؛ مانند: حدیقة ← حدائق؛ مفتاح ← مفاتیح؛ طفل ← أطفال؛ عبّرة ← عبّر.

نکته

کلمات «آیات، أصوات، أوقات و أموات» جمع مکسر هستند نه جمع مؤنث سالم؛ مفرد آن‌ها به ترتیب عبارت است از: «بیت، صوت، وقت، میت».

اسم اشاره

به اسمی که به وسیله آن به شخص، حیوان و شیء مورد نظر اشاره می‌کنیم، اسم اشاره گفته می‌شود و عبارت است از:

- «هذا» اسم اشاره برای مفرد مذکر
 - «هذه» اسم اشاره برای مفرد مؤنث
 - «ذلك» اسم اشاره برای مفرد مذکر
 - «تلك» اسم اشاره برای مفرد مؤنث
 - «هذان» اسم اشاره برای مثنای مذکر
 - «هاتان» اسم اشاره برای مثنای مؤنث
 - «هؤلاء» اسم اشاره برای جمع مذکر و مؤنث به معنای «این‌ها» برای اشاره به نزدیک (قریب)
 - «أولئك» اسم اشاره برای جمع مذکر و مؤنث به معنای «آن‌ها» برای اشاره به دور (بعید)
- به عبارت دیگر «هذا، هذه، هذان، هاتان و هؤلاء» اسم اشاره به نزدیک (قریب) و «ذلك، تلك و أولئك» اسم اشاره به دور (بعید) محسوب می‌شوند.

نکته

به اسم «ال» داری که پس از اسم اشاره و برای توصیف و توضیح آن می‌آید «المُشارِ إلیه» گفته می‌شود؛

مانند: هذا المعلم ذلك الكتاب هؤلاء التلاميذ

نکته

برای اشاره به جمع غیرعاقل (غیرانسان) از اسم اشاره مفرد مؤنث «هذه» یا «تلك» استفاده می‌کنیم؛

مانند: هذه أشجارٌ تلك بیوتٌ
 اسم اشاره جمع مکسر غیرعاقل اسم اشاره جمع مکسر غیرعاقل

انواع فعل از نظر زمان

- ۱ ماضی (ماضی): فعلی است که بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: ذهبْتُ: رفتم.
 - ۲ مضارع: فعلی است که بر زمان حال و آینده دلالت می‌کند؛ مانند: أذهبُ: می‌روم.
 - ۳ مستقبل (آینده): فعلی است که بر زمان آینده دلالت می‌کند و با افزودن «سَ» یا «سَوْفَ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود؛
 مانند: سأذهبُ، سوفَ أذهبُ: خواهم رفت.
- اگر بر سر فعل‌های ماضی یکی از حروف «أَ، تَ، یَ، نَ» بیاید به فعل مضارع تبدیل می‌شود؛
 مانند: ذهبَ ← أذهبُ، تذهبُ، يذهبُ، نذهبُ

نکته

در دستور زبان فارسی، فعل‌ها در ۶ شکل می‌آیند:

- ۱ اول شخص مفرد ← من رفتم
- ۲ دوم شخص مفرد ← تو رفتی
- ۳ سوم شخص مفرد ← او رفت
- ۴ اول شخص جمع ← ما رفتیم
- ۵ دوم شخص جمع ← شما رفتید
- ۶ سوم شخص جمع ← ایشان (آن‌ها) رفتند

اما در زبان عربی، فعل‌ها در ۱۴ شکل (صیغه) می‌آیند که در جدول زیر تمامی آن‌ها را مرور خواهیم کرد.

ضمیر فارسی	ضمیر عربی	فعل ماضی	ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	معادل عربی اسم صیغه‌ها
من	أنا	دَهَبْتُ	من رفتم	أَذْهَبُ	من می‌روم	للمتكلّم وحده (متكلّم وحده)
تو	أنت	دَهَبْتَ	تو [یک مرد] رفتی	تَذْهَبُ	تو [یک مرد] می‌روی	للمخاطَب (مفرد مذکر مخاطب)
	أنتِ	دَهَبْتِ	تو [یک زن] رفتی	تَذْهَبِينَ	تو [یک زن] می‌روی	للمخاطَبَة (مفرد مؤنث مخاطب)
او	هو	دَهَبَ	او [یک مرد] رفت	يَذْهَبُ	او [یک مرد] می‌رود	لللغائب (مفرد مذکر غایب)
	هي	دَهَبَتْ	او [یک زن] رفت	تَذْهَبُ	او [یک زن] می‌رود	لللغائِبَة (مفرد مؤنث غایب)
ما	نحن	دَهَبْنَا	ما رفتیم	نَذْهَبُ	ما می‌رویم	للمتكلّم مع الغير (متكلّم مع الغير)
شما	أنتم	دَهَبْتُمْ	شما [دو مرد] رفتید	تَذْهَبَانِ	شما [دو مرد] می‌روید	للمخاطَبَيْنِ (مثنی مذکر مخاطب)
	أنتم	دَهَبْتُمْ	شما [دو زن] رفتید	تَذْهَبَانِ	شما [دو زن] می‌روید	للمخاطَبَتَيْنِ (مثنی مؤنث مخاطب)
	أنهم	دَهَبُوا	شما [چند مرد] رفتید	تَذْهَبُونَ	شما [چند مرد] می‌روید	للمخاطَبِينَ (جمع مذکر مخاطب)
	أنهنّ	دَهَبْنَ	شما [چند زن] رفتید	تَذْهَبْنَ	شما [چند زن] می‌روید	للمخاطَبَاتِ (جمع مؤنث مخاطب)
ایشان (آن‌ها)	هُما	دَهَبَا	آن‌ها [دو مرد] رفتند	يَذْهَبَانِ	آن‌ها [دو مرد] می‌روند	لللغائِبَيْنِ (مثنی مذکر غایب)
	هُما	دَهَبَتَا	آن‌ها [دو زن] رفتند	تَذْهَبَانِ	آن‌ها [دو زن] می‌روند	لللغائِبَتَيْنِ (مثنی مؤنث غایب)
	هُم	دَهَبُوا	آن‌ها [چند مرد] رفتند	يَذْهَبُونَ	آن‌ها [چند مرد] می‌روند	لللغائِبِينَ (جمع مذکر غایب)
	هُنّ	دَهَبْنَ	آن‌ها [چند زن] رفتند	يَذْهَبْنَ	آن‌ها [چند زن] می‌روند	لللغائِبَاتِ (جمع مؤنث غایب)

فعل نفی

فعل ماضی با «ما» و فعل مضارع با «لا» منفی می‌شود؛ مانند:

• دَهَبْتُ (رفتم) + ما = ما دَهَبْتُ (نرفتم)
• أَذْهَبُ (می‌روم) + لا = لا أَذْهَبُ (نمی‌روم)

فعل امر

برای امر کردن یا بیان هر فعلی به صورت دستوری از این فعل استفاده می‌شود؛ مانند:

• تَفْعَلْ (انجام می‌دهی) ← اِفْعَلْ (انجام بده)
• تَفْعَلِينَ (انجام می‌دهی) ← اِفْعَلِي (انجام بده)

شیوه ساخت فعل امر

① حذف «ت» از ابتدای فعل مضارع و آوردن یک حرف «ا» به جای آن. (فعل امر از فعل مضارع ساخته می‌شود.)

② ساکن کردن آخر فعل «ئ» ← «ه» و یا حذف «نون»؛ به جز «نون» صیغه دوم شخص جمع مؤنث (للمخاطبات).

به چند مثال در این زمینه توجه کنید:

• تَذْهَبُ می‌روی ← اِذْهَبْ: برو
• تَذْهَبَانِ می‌روید ← اِذْهَبَا: بروید
• تَذْهَبْنَ می‌روید ← اِذْهَبْنَ: بروید

نکته

حرکت حرف «الف» که در ابتدای فعل امر می‌آید، براساس حرکت حرف ماقبل پایانی فعل مضارع است؛ اگر حرکت حرف ماقبل پایانی فعل مضارع، فتنحه یا کسره باشد، حرکت الف ابتدای فعل امر کسره می‌شود و اگر ضمه باشد، ضمه می‌شود؛ مانند:

• تَسْمَعُ ← اِسْمَعْ • تَجْلِسُ ← اِجْلِسْ • تَكْتُبُ ← اِكْتُبْ

فعل نهی

برای نهی کردن یا بازداشتن از انجام هر فعلی از فعل نهی استفاده می‌شود؛ مانند:

• تَفْعَلْ (انجام می‌دهی) ← لا تَفْعَلْ (انجام نده)
• تَفْعَلِينَ (انجام می‌دهی) ← لا تَفْعَلِي (انجام نده)



*

شیوه ساخت فعل نهی

۱ آوردن «لا» بر سر فعل مضارع. (فعل نهی نیز از فعل مضارع ساخته می‌شود.)

۲ ساکن کردن آخر فعل «ئ» ← «ئ» و یا حذف «نون» به جز «نون» صیغه دوم شخص جمع مؤنث (للمخاطبات)؛ **مانند:**

• تَذْهَبْ: می‌روی ← لا تَذْهَبْ: نرو
• تَذْهَبَانِ: می‌روید ← لا تَذْهَبَا: نروید
• تَذْهَبْنَ: می‌روید ← لا تَذْهَبْنَ: نروید

نکته

فعل ماضی استمراری نشان‌دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است و از ترکیب «کان» + فعل مضارع ساخته می‌شود؛ **مانند:**
• کانوا یکتُبُون ← می‌نوشتند
• کانوا یذهبون ← می‌رفتند
• کانوا یفعلون ← انجام می‌دادند

توجه

ماضی نقلی فارسی نیز از ترکیب «قد» + فعل ماضی ساخته می‌شود؛ **مانند:**

• قد دَهَبَ ← رفته است
• قد کَتَبْتُ ← نوشته‌ام

ضمیر

کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود و از تکرار مجدد آن جلوگیری می‌کند؛ **مانند:** هو، هی، أنا، أنت، أنتِ، نحن و ...

توجه

در مبحث قواعد ضمیر، آن چه اهمیت بسیاری دارد مطابقت ضمیر با کلمات موجود در جمله است؛ مثلاً اگر ضمیر «أنا» در جمله وجود داشته باشد قطعاً فعل نیز باید از صیغه اول شخص مفرد یا همان للمتكلم وحده باشد. به چند مثال در این زمینه توجه کنید:

• أنا ضربتُ
اول شخص مفرد (للمتكلم وحده)
• هُنَّ خَرَجْنَ
سوم شخص جمع (للمخاطبات)
• أنت تذهب
دوم شخص مفرد (للمخاطب)
• أنتن تجلسن
دوم شخص جمع (للمخاطبات)

نکته

به کلمه‌ای که ضمیر آن را توضیح می‌دهد و به عبارتی دیگر ضمیر به آن برمی‌گردد، مرجع ضمیر گفته می‌شود؛ **مانند:**
لَبَسْتُ أُمِّي خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِي: مادرم انگشتر طلایی‌اش را در جشن تولدم پوشید. (مرجع ضمیر «ها» کلمه «أُم» است.)

کلمات پرسشی (استفهامی)

کلمات پرسشی در ابتدای جمله می‌آیند و پرسشی را مطرح می‌کنند که در غالب جدول ذیل تمامی کلمات پرسشی مورد نیاز، با ترجمه و مثال و شیوه پاسخ‌گویی برای هر یک گرد آمده است.

کلمه پرسشی	ترجمه	مثال	ترجمه مثال	شیوه پاسخ‌گویی
هَلْ / أ	آیا	هَلْ / أَهَذِهِ شَجَرَةٌ الْعِنَبِ؟	آیا این درخت انگور است؟	از «نَعَمْ» یا «لا» استفاده می‌کنیم.
مَنْ	چه کسی؟	مَنْ هُوَ؟	او چه کسی است؟ (کیست؟)	نام شخص می‌آید.
مَا	چه چیز؟	ما هذا؟	این چه چیزی است؟ (چیست؟)	نام شیء می‌آید.
لِمَنْ	مال چه کسی؟	لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيقَةُ؟	این کیف مال چه کسی است؟	از «لِ» و نام صاحب آن وسیله استفاده می‌کنیم.
أَيْنَ	کجا؟	أَيْنَ الْوَلَدُ؟	پسر کجاست؟	از «فَوْق»، «تَحْتَ»، «أَمَامَ»، «خَلْفَ»، «وَرَاءَ»، «جَنْبَ»، «عِنْدَ»، «حَوْلَ»، «بَيْنَ»، «فِي»، «عَلَى»، «عَلَى الْيَمِينِ»، «عَلَى الْيَسَارِ»، «هُنَا»، «هَنَّاك» استفاده می‌کنیم.
مِنْ أَيْنَ	از کجا، اهل کجا؟	مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	تو کجایی هستی؟	۱. «مِنْ» + اسم شهر یا کشور: مِنْ مِصر ۲. اسم شهر یا کشور + يِّ: مِصرِيّ
كَمْ	چند؟	كَمْ كِتَابًا هُنَا؟	چند کتاب این جاست؟	عدد می‌آید.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

۱

«... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...» الْحُجُرَات، ۱۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

واژه‌نامه

ذَوِ الْوَجْهِينِ دورو	بُئْسَ بد است	اتَّقَى پروا کرد (مضارع: يَتَّقَى)
رَجُلٌ مرد، انسان «جمع: رجال»	تَابَ توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ)	اتَّقُوا اللَّهَ از خدا پروا کنید
رَجَالِي مردانه	لَمْ يَتُبْ توبه نکرد	إِثْمٌ گناه = ذَنْبٌ
زَمِيلٌ همکار	تَجَسَّسَ جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ)	اجْتَنَبَ (يَجْتَنِبُ) پرهیز کرد
سَاءَ بد شد	تَخَفِضُ تخفیف	أَحَبُّ دوست‌داشتنی‌ترین
سَخِرَ مِنْ مسخره کرد (مضارع: يَسْخَرُ / مصدر: سُخْرِيَّةٌ)	تَسْمِيَّةٌ نام دادن، نامیدن (سَمَى / يُسَمِّي)	إِذَنْ بنابراین
لَا يَسْخَرُ نباید مسخره کند	تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)	اسْتَهْزَأَ بِ ریشخند کردن (اسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ)
يَسْزُولُ شلوار «جمع: سُرَاوِيلُ»	تَوَابَ بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده	أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین
يَسْعُرُ قیمت «جمع: أَشْعَارُ»	تَوَاضَلَ ارتباط (تَوَاضَلَ، يَتَوَاضَلُ)	إِغْتَابَ غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)
سَكِينَةٌ آرامش	جَادَلَ بحث کن (جَادَلَ، يُجَادِلُ)	لَا يَغْتَنَبُ نباید غیبت کند
سَقِلَ پرسیده شد	حَرَمٌ حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ)	أَنْ يَكُنَّ که باشند [زنان] (كَانَ، يَكُونُ)
ضَلَّ گمراه شد	حَسَنْتَ نیکو گردانیدی	أَنْ يَكُونُوا که باشند [مردان] (كَانَ، يَكُونُ)
ظَنُّ گمان	حَيَّ بشتاب	أَوْسَطُ میانه‌ترین
عَابَ عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع: يَعِيبُ)	خَفِيَ پنهان ≠ ظَاهِر	أَهْدَى هدیه کرد
عُجِبَ خودپسندی	خُلِقَ رفتار	بَعْضٌ ... بَعْضٌ یکدیگر
		بِهَيْمَةٍ چارپایان «مفرد: بَهِيمَةٌ»



عَذَّبَ عذاب داد

عَسَى شاید = رُبَّما

غَالِيَةً گران

غَلَبَ چیره شد، غلبه کرد

فَسَاتِنَ لباس‌های زنانه «مفرد: فُستَان»

فُسُوق آلوده شدن به گناه

فَضَح رسوا کردن

قَائِل گوینده

قَذَّ گاهی، شاید (بر سر مضارع) قَدْ يَكُونُ «گاهی

می‌باشد» / بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن

زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.

قَمِيص پیراهن

كِبَائِرُ گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»

كَرِهَ ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)

لَحْم گوشت «جمع: لُحُوم»

لَقَب لقب داد (مضارع: يُلقَّبُ)

لَمَرَّ عِيبَ گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)

مَشْخَر مغازه

مَعْرِفَةٌ دانستن، شناختن

مَيِّت مرده = مَيِّت «جمع: أموات، مَوْتَى» ≠ حَيٍّ

مِيزَان ترازو (ترازوی اعمال)

نَصَح (يَنْصَحُ) پند می‌دهد، توصیه می‌کند

نَوَعِيَّاتٍ جنس‌ها «مفرد: نَوْعِيَّة»

مترادف

إِثْمٌ = ذَنْبٌ گناه

مَيِّتٌ = مَيِّتٌ مرده

عَسَى = رُبَّما شاید

أَشْرَارٌ = رُفُوزٌ رازها

مَسَاءٌ = لَيْلٌ شب

عَابَ = لَمَرَّ عِيبَ گرفت

خَيْرٌ = أَحْسَنُ = أَفْضَلُ بهتر، برتر

تَوَاضَلُ = اِرْتِبَاطٌ ارتباط

قَبِيحٌ = كَرِيهٌ زشت

جَعَلَ = وَضَعَ قرار داد

سَخِرَ مِنْ = اِسْتَهْزَأَ بِ مسخره کرد

متضاد

مَيِّتٌ، مَيِّتٌ مرده ≠ حَيٌّ زنده

بُئْسَ بد است ≠ نِعَمٌ خوب است

خَفِيَ پنهان ≠ ظَاهِر آشکار

جَمِيلٌ زیبا ≠ قَبِيحٌ زشت

أَرَادَلَ افراد پست ≠ أَفْضَلَ افراد شریف

شَكُوتٌ سکوت ≠ كَلَامٌ سخن

عِدَاوَةٌ دشمنی ≠ صَدَاقَةٌ دوستی

عَاقِلٌ دانا ≠ جَاهِلٌ نادان

مَشْرِقٌ شرق ≠ مَغْرِبٌ غرب

صَبَاحٌ صبح ≠ مَسَاءٌ، لَيْلٌ شب

رَخِيصَةٌ ارزان ≠ غَالِيَةٌ گران

أَمَانَةٌ امانت ≠ خِيَانَةٌ خیانت

جمع مکسر و مفرد آن

أَنْفُسٌ - نَفْسٌ جان

أَلْقَابٌ - لَقَبٌ لقب

عُيُوبٌ - عَيْبٌ عیب

أَسْمَاءٌ - اِسْمٌ نام

أَشْرَارٌ - سِرٌّ راز

كِبَائِرٌ - كَبِيرَةٌ گناه بزرگ

دُثُوبٌ - ذَنْبٌ گناه

أَخْلَاقٌ - خُلُقٌ رفتار

أَشْبَابٌ - سَبَبٌ دلیل

لُحُومٌ - لَحْمٌ گوشت

أَمْوَاتٌ - مَيِّتٌ، مَيِّتٌ مرده

جِبَالٌ - جَبَلٌ کوه

أَرَادِلٌ - أَرْدَلٌ پست

أَفْضَلٌ - أَفْضَلُ شریف

أَحَادِيثٌ - حَدِيثٌ حدیث

أَعْمَالٌ - عَمَلٌ کار

أُمُورٌ - أَمْرٌ کار

إِخْوَانٌ - أَخٌ برادر

بَهَائِمٌ - بَهِيمَةٌ چارپا

مَدَارِسٌ - مَدْرَسَةٌ مدرسه

مَلَاعِبٌ - مَلْعَبٌ ورزشگاه

مَطَايِمٌ - مَطْعَمٌ رستوران

مَنَازِلٌ - مَنَزِلٌ خانه

أَشْعَارٌ - بَغْرٌ قیمت

فَسَاتِنٌ - فُستَانٌ لباس زنانه

سَرَاوِيلٌ - بِرِّوَالٌ شلوار

مَلَابِسٌ - مَلْبَسٌ لباس

عِبَادٌ - عِبْدٌ بنده

أَفْعَالٌ - فِعْلٌ کار

مَصَادِرٌ - مَصْدَرٌ مصدر کلمه

تَرَكَيبٌ - تَرْكَيبٌ ترکیب

جُمَلٌ - جُمْلَةٌ جمله

عُيُوبٌ - عَيْبٌ راز

رِجَالٌ - رَجُلٌ مرد

أَوْلَادٌ - وَلَدٌ فرزند، پسر

أَشْهُرٌ - شَهْرٌ ماه (سی روز)

مُؤَاقِفٌ - مُؤَقِفٌ ایستگاه

کلمات مشابه و پراهمیت

رَجُلٌ مرد - رِجَالٌ مردانه

خُلُقٌ آفریدگان - خُلُقٌ، خُلُقٌ رفتار

عُيُوبٌ عیب‌ها - عُيُوبٌ غیب‌ها

إِذْنٌ بنابراین - إِذْنٌ اجازه

حَيٌّ زنده - حَيٍّ بشتاب

من آیات الأخلاق (از آیه‌های اخلاق)

عبارت: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْخَرُوا قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ

ترجمه کلمه به کلمه: ای کسانی که ایمان آوردند نباید مسخره کند قومی از قومی چه بسا باشند بهتر از ایشان
ترجمه روان: ای کسانی که ایمان آوردید! نباید قومی، قومی [دیگر] را مسخره کند چه بسا آنها از ایشان بهتر باشند.

کلمات و ترکیبات مهم: «آمنوا» فعل ماضی از ریشه «أ م ن» و از صیغه جمع مذکر غائب است و ترجمه درست آن براساس غائب «ایمان آوردند» است اقا چون قبل آن «یا ایُّها» که معمولاً برای مخاطب استفاده می‌شود آمده است، به صورت مخاطب «ایمان آوردید» نیز ترجمه شده است. اقا در هر حال صحیح آن همان «ایمان آوردند» است. / «لَا تَسْخَرُوا... مِنْ» فعل نهی و از صیغه غائب است همان طور که می‌دانید نهی از مضارع ساخته می‌شود و معمولاً نهی مخاطب پرکاربرد است اقا این بدین معنا نیست که نهی غائب وجود ندارد. بله هست و در ترجمه آن از «نباید» استفاده می‌شود.

عبارت: وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ

ترجمه کلمه به کلمه: و نه زنانی از زنان چه بسا باشند بهتر از ایشان و عیب مگیرید از خودتان و لقب‌های زشت ندهید
ترجمه روان: و نه زنانی، زنانی [دیگر] را [مسخره نکنند] چه بسا آنان از ایشان بهتر باشند و از خودتان عیب مگیرید.
کلمات و ترکیبات مهم: «أَنْ يَكُنَّ» همان معادل «أَنْ يَكُونُوا» برای مؤنث «نساء» است. / «لَا تَلْمِزُوا» و «لَا تَنَابَزُوا» هر دو فعل نهی‌اند.

عبارت: بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

ترجمه کلمه به کلمه: [چه] بد است اسم آلوده شدن به گناه پس از ایمان و هر کس توبه نکرد پس آنان همان ستمگرانند
ترجمه روان: [چه] بدنامی است آلوده شدن به گناه پس از ایمان و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمگرانند.
کلمات و ترکیبات مهم: «بِئْسَ» در اصل «يَتُوبُ» بوده است و ترکیب «لَمْ» + «يَتُوبُ» به صورت ماضی منفی ترجمه می‌شود. / «الظَّالِمُونَ» جمع مذکر سالم از «الظَّالِم» است.

عبارت: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا

ترجمه کلمه به کلمه: ای کسانی که ایمان پرهیز بسیاری از گمان همانا برخی گمان گناه و جاسوسی و غیبت برخی از برخی آوردند کنید [ها] نکنید نکند شما
ترجمه روان: ای کسانی که ایمان آوردید از بسیاری از گمان‌ها پرهیز کنید همانا برخی گمان‌ها گناهند و [در کار یکدیگر] جاسوسی نکنید و برخی از شما غیبت برخی دیگر را نکنند.

کلمات و ترکیبات مهم: «لَا تَجَسَّسُوا» فعل نهی مخاطب از صیغه جمع مذکر است. / «لَا يَغْتَبَ» فعل نهی غائب از صیغه مفرد مذکر است.

عبارت: أَلَيْسَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

ترجمه کلمه به کلمه: آیا دوست یکی از که بخورد گوشت برادرش مرده پس کراهت و تقوای الهی همانا خداوند بسیار توبه‌پذیر است
ترجمه روان: آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت [تن] برادرش که مرده است را بخورد پس [در حالی که] آن را ناپسند می‌دانید؛ و تقوای الهی پیشه کنید همانا خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

کلمات و ترکیبات مهم: «يَأْكُلُ» فعل مضارع به معنای «می‌خورد» است و چون با «أَنْ» آمده است به صورت «بخورد» ترجمه می‌شود. / «اتَّقُوا» فعل امر است. / «تَوَّابٌ» اسم مبالغه بر وزن «فَعَّالٌ» است.

عبارت: قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَن هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِيَ عَنِ الْعَجَبِ وَأَنْ لَا نَذْكُرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ

ترجمه کلمه به کلمه: گاهی میان مردم کسی که او بهتر از ماست پس بر که دوری از خودپسندی و اینکه ذکر عیب‌های دیگران می‌شود ماست کنیم نکنیم

ترجمه روان: گاهی میان مردم کسی بهتر از ماست، پس ما باید از خودپسندی دوری کنیم و ذکر نکنیم عیب‌های دیگران را
کلمات و ترکیبات مهم: در ترجمه ترکیب «قد» + فعل مضارع از «گاهی» استفاده می‌کنیم. / «نَبْتَغِيَ» و «نَذْكُرُ» هر دو پس از «أَنْ» آمده‌اند و به صورت التزامی ترجمه می‌شوند با این تفاوت که قبل از «نَذْكُرُ» یک «لَا» نفی هم آمده است و به صورت مضارع التزامی منفی ترجمه می‌شود.

عبارت: بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ وَمِثْلُهُ

ترجمه کلمه به کلمه: با سخنی پنهان یا با اشاره پس گفته امیرمؤمنان علی علیه السلام بزرگ‌ترین عیب که عیب آنچه مانند آن است بشمار می‌آید در تو است



ترجمه روان: با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای، پس امیرالمؤمنان علی علیه‌السلام فرموده است: بزرگ‌ترین عیب آن است که آنچه مانند آن در [وجود] تو است را عیب بشماری.

کلمات و ترکیبات مهم: «حَفِيٌّ» صفت برای «کلام» است. / «بِإِشَارَةٍ» جارومجرور است. / «أَنْ تَعِيبَ» به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

عبارت: تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَتَقُولُ: لَا تَعِيبُوا الْآخِرِينَ وَلَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ بِكُرْهُونَهَا

ترجمه کلمه به کلمه: پند می‌دهد ما را آیه اول و می‌گوید عیب نگیرید از دیگران و لقب ندهید آنان را با لقب‌هایی که ناپسندمی‌شمارند آنها را

ترجمه روان: آیه اول به ما پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب مگیرید و به آنان لقب‌هایی که ناپسندشان می‌شمارند ندهید.

کلمات و ترکیبات مهم: «الْأُولَى» عدد ترتیبی مُعَدَّوْدِ آن «الآية» است و بر اساس قانون، عدد اصلی، پس از معدود می‌آید. / «لَا تَلْقَبُوا» و «لَا تَلْقَبُوهُمْ» هر دو فعل نهی هستند.

عبارت: بِشَى الْعَمَلِ الْفُسُوقِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى

ترجمه کلمه به کلمه: [چه] کار آلوده شدن و هرکس انجام آن را پس او از ستمگران بنابراین پس حرام خدای بزرگ بد است به گناه دهد است.

ترجمه روان: [چه] بد است کار آلوده شدن به گناه و هرکس آن [کار] را انجام دهد از ستمگران است، بنابراین خداوند بزرگ حرام کرده است

کلمات و ترکیبات مهم: «حَرَّمَ» فعل ماضی باب «تفعیل» و بر وزن «فَعَّلَ» است. / «تَعَالَى» مصدر باب «تَفَاعَلَ» است.

عبارت: فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْأَشْتِهَاءِ بِالْآخِرِينَ وَتَسْمِيَّتِهِمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

ترجمه کلمه به کلمه: در این دو آیه مسخره کردن دیگران و نامیدن آنان به نام‌های زشت

ترجمه روان: در این دو آیه [حرام کرده است] مسخره کردن دیگران و نامیدن آنان به نام‌های زشت را

کلمات و ترکیبات مهم: «هَاتَيْنِ» اسم اشاره نزدیک برای مثنای مؤنث و به معنای «این دو» است. / «إِسْتِهَاءَ» مصدر باب «استفعال» از ریشه «ه ز أ» است. / «تَسْمِيَّةً» مصدر دوم باب «تفعیل» بر وزن «تَفَعَّلَ» است. / «الْقَبِيحَةِ» صفت برای «أَسْمَاء» است.

عبارت: سَوْءُ الظَّنِّ وَهُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

ترجمه کلمه به کلمه: بدگمانی و آن تهمت زدن شخصی به شخصی دیگر بدون دلیل منطقی.

ترجمه روان: [و حرام کرده است] بدگمانی را و آن [عبارتست از] تهمت زدن شخصی به شخصی دیگر بدون دلیل منطقی

کلمات و ترکیبات مهم: «اتِّهَامُ» مصدر باب «افتعال» از ریشه «ه ه م» است؛ اصل این کلمه «إِؤْهَامُ» بوده است که به صورت «إِتِّهَامُ» تغییر شکل داده است. / لِشَخْصٍ: جار و مجرور است.

عبارت: التَّجَسُّسُ وَهُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَهُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَمِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ

ترجمه کلمه به کلمه: جاسوسی و آن تلاشی زشت برای پی رازهای مردم برای رسوایی و آن از گناهان کبیره در مکتب و از اخلاق بد است.

ترجمه روان: [و حرام کرده است] جاسوسی کردن را و آن [عبارتست از] تلاشی زشت برای پی بردن به رازهای مردم برای رسوایی آنان است و آن در دین ما از گناهان کبیره و از [موارد] اخلاق بد است.

کلمات و ترکیبات مهم: «التَّجَسُّسُ» مصدر باب «تَفَعَّلَ» است. / «مُحَاوَلَةُ» مصدر باب «مفاعلة» است. / «أَسْرَارِ» گنجایر، ذنوب و اخلاق جمع مکسر به ترتیب «بسرّ» کبیره، ذنب و خُلُق» است.

عبارت: وَ الْغَيْبَةِ وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

ترجمه کلمه به کلمه: و غیبت و آن از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است.

ترجمه روان: [و حرام کرده است] غیبت کردن را و آن از مهم‌ترین علّت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

کلمات و ترکیبات مهم: «(مِنْ أَهَمِّ)» جار و مجرور است. / «التَّوَاصُلِ» مصدر باب «تَفَاعَلَ» و از ریشه «و ص ل» است.

عبارت: سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحَجَرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ

ترجمه کلمه به کلمه: نامیدند برخی مفسران سوره حجراتی که آمد در آن هاتان آیه این دو آیه به سوره اخلاق

ترجمه روان: برخی مفسران سوره حجراتی که این دو آیه در آن آمده‌اند را سوره اخلاق نام‌گذاری کرده‌اند.

کلمات و ترکیبات مهم: «سَمَى» ماضی باب «تَفَعَّلَ» بر وزن «فَعَّلَ» است. / «هَاتَانِ» اسم اشاره نزدیک برای مثنی مؤنث است و گاهی اوقات به صورت «هَاتَيْنِ» نیز می‌آید.

عَيْنَ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا كَسَبَ نَصَّ الدَّرْسِ. (درست و نادرست را براساس متن درس مشخص کن.)

۱. سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْخُجَرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. ✗
نامیدند برخی مفسران سوره حجرات را به عروس قرآن.
۲. حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطْ. ✗
حرام کرد خداوند در این دو آیه مسخره کردن و غیبت را فقط.
۳. الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَأَخْتَكَ بِمَا يَكْزُهُنِ. ✓
غیبت آن است که یاد کنی برادرت و خواهرت را به آنچه ناپسند می دارند.
۴. إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الشُّغْرَةِ مِنَ الْآخِرِينَ. ✓
همانا خداوند نهی می کند مردم را از مسخره کردن دیگران.
۵. أَلَسْغِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. ✗
تلاش برای دانستن رازهای دیگران کاری زیباست.

قواعد

اسم تفضیل و اسم مکان

- اسم تفضیل: اسمی است که مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» می آید.
- اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» است؛ مانند:
- کَبِير (بزرگ) اسم تفضیل أَكْبَر (بزرگ تر، بزرگ ترین)
 - حَسَن (خوب) اسم تفضیل أَحْسَن (خوب تر، خوب ترین)
- به چند مثال از اسم تفضیل در جمله های مختلف توجه کنید:
- آسیا أَكْبَرُ مِنْ أُوْرُوْپَا. ← آسیا بزرگ تر از اروپا است.
 - آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. ← آسیا بزرگ ترین قاره های جهان است.
 - جَبَلُ دِمَاوَنْدِ اَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. ← کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است.
 - جَبَلُ دِمَاوَنْدِ اَعْلَى جِبَالِ اِیْرَانِ. ← کوه دماوند بلندترین کوه های ایران است.
- هرگاه اسم تفضیل همراه حرف جرّ «مِنْ» باشد، معنای «برتر» دارد؛ مانند:
- هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. ← این از آن بزرگ تر است.
 - خَيْرُ مِنَ الْفَعْلِ فَاعِلُهُ. ← بهتر از خوبی، انجام دهنده اش است.
 - أَحْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. ← زیباتر از زیبا، گوینده اش است.
 - هُوَ شَرُّ مِنَ الْبَهَائِمِ. ← او بدتر از چارپایان است.
- و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود معنای «برترین» دارد؛ مانند:
- سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. ← سوره بقره بزرگ ترین سوره در قرآن است.
- مضاف مضاف الیه
- حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. ← به سوی بهترین کار، بشتاب.
- مضاف مضاف الیه
- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. ← بهترین کارها میانه ترین آنها است.
- مضاف مضاف الیه
- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَالِ. ← برترین کارها کسب درآمد از راه حلال است.
- مضاف مضاف الیه
- گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل ها می آید:
- اَعْلَى (بلندتر، بلندترین)
 - اَحَبَّ (محبوب تر، محبوب ترین)
 - اَعْلَى (گران تر، گران ترین)
 - اَقَلَّ (کم تر، کم ترین)



مؤنث اسم تفضیل بروزن «فُعَلَى» می آید؛ مانند:

• فاطمة الکُبْرَى (فاطمه بزرگ تر)

اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می آید؛ مانند:

• فاطمة أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب.

غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مانند:

• إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلَ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. («أَرَادِل» جمع «أَرَدَل» و «أَفَاضِل» جمع «أَفْضَل» است.)

دو کلمه «خَيْر» و «شَر» به معنای «خوبی» و «بدی» می توانند به معنای اسم تفضیل بیایند که در این صورت معمولاً پس از آن ها حرف جرّ «مِنْ»

می آید یا به صورت مضاف می آیند؛ مانند:

• تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرَ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. ← ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

حرف جر

• شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. ← بدتر از چهارپایان.

حرف جر

• حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. ← به سوی بهترین کار بشتاب.

مضاف مضاف الیه

به عبارت دیگر «خَيْر» اگر به معنای «بهتر، بهترین» و «شَر» اگر به معنای «بدتر، بدترین» باشند اسم تفضیل محسوب می شوند و در غیر این صورت یعنی اگر به معنای «خوب» یا «بدی» بیایند دیگر اسم تفضیل نیستند.

نکته

اسم تفضیل با برخی فعل های مضارع صیغه اول شخص مفرد (للمتكلم وحده) شباهت بسیار دارد آنها را با هم اشتباه نگیرید:

- أَعْلَمُ: دانانتر، داناترین (اسم تفضیل)
- أَعْلَمُ: می دانم (فعل اول شخص مفرد مضارع)
- أَحَبُّ: دوست داشتنی تر، دوست داشتنی ترین (اسم تفضیل)
- أَحَبُّ: دوست دارم (فعل اول شخص مفرد مضارع)

نکته

«أَخْر» بر وزن «فَاعِل» به معنای «پایان» و «أَخَر» بر وزن «أَفْعَل» به معنای «دیگر» است و در حالت دوم، اسم تفضیل است.

نکته

رنگ ها اگر چه بر وزن «أَفْعَل» می آیند اما اسم تفضیل نیستند چون قابلیت برتری و تفضیل ندارند؛ مثال: أَبْيَضُ، أَضْفَرُ، أَزْرَقُ، أَخْضَرُ، أَشْوَدُ، أَحْمَرُ.

اسم مکان: اسمی است که بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن «مَفْعَل» و گاهی بر وزن «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» است؛ مانند:

مَفْعَل: مَلْعَب: ورزشگاه؛ مَطْعَم: رستوران؛ مَصْنَع: کارخانه؛ مَطْبَخ: آشپزخانه

مَفْعِل: مَخِيل: کجاوه؛ مَنْزِل: خانه؛ مَسْجِد: مسجد؛ مَجْلِس: مجلس

مَفْعَلَة: مَكْتَبَة: کتابخانه؛ مَطْبَعَة: چاپخانه؛ مَدْرَسَة: مدرسه؛ مَقْبَرَة: آرامگاه

جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است؛ مانند: مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.

إِخْتَبَرْتُ نَفْسِي (۱) (خود را امتحان کن): تَرْجِمُ الْأَحَادِيثَ الثَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَغَّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (احادیث زیر را ترجمه کن، سپس خطی زیر اسم تفضیل قرار بده.)

۱. سَيَّلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

سؤال شد. از رسول خدا: چه کسی محبوب ترین مردم نزد خداست؟ فرمود: سودمندترین مردم برای مردم.

۲. أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ. (رسول الله (ص))

بهترین زینت مرد آرامش همراه با ایمان است.

۳. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. (رسول الله (ص))

برترین کارها کسب [درآمد] از [راه] حلال است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲) (خودت را امتحان کن): تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. (عبارت های زیر را ترجمه کن.)

۱. «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹

پروردگارا! ایمان آوردیم. پیامرز ما را. و به ما رحم کن. و تو بهترین رحم کنندگانی

۲. خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَمَدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

بهترین برادرانتان (دوستانتان) کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کند. (بگوید.)

۳. «لَيْلَةُ الْقَدَرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» الْقَدَر: ۳

شب قدر بهتر است از هزار ماه

۴. مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

هر کس غلبه کند شهوتش بر عقلش پس او بدتر از چارپایان است.

۵. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ.

بدترین مردم [انسان] دورو است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۳) (خودت را امتحان کن): تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْغِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ. (دو آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل

را مشخص کن.)

۱. «... وَ جَادِلْهُمْ بِلَاَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...» النِّحْل: ۱۲۵

«أَجْسَن. وَ أَعْلَمُ». اسم تفضیل اند.

و با آنان به شیوه ای که بهتر است بحث کن. همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد آگاه تر است.

۲. «وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» الْأَغْلَى: ۱۷

«خَيْرٌ وَ أَبْقَى». اسم تفضیل اند.

و آخرت بهتر و پایدارتر است.

۳. كَانَتْ مَكْتَبَتُهُ «جندی سابور» في خوزستان أكبر مکتبته في العالم القديم.

مَكْتَبَتُهُ: اسم مکان. / أَكْبَرُ: اسم تفضیل

کتابخانه «جندی شاپور» در خوزستان بزرگ ترین کتابخانه در جهان قدیم بود.

در گروه های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را اجرا کنید.

ا جواز: گفت و گو، مکالمه | في سوق مَشْهَد (در بازار مشهد)

عبارت: بائع الملابس	عبارت: الزائفة العريضة
ترجمه روان: فروشنده لباس ها	ترجمه روان: خانم زائر عرب
عبارت: عَلَيْكُمْ السَّلَام، مَرْحَباً بِكَ.	عبارت: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.
ترجمه روان: بر شما سلام خوش آمدی	ترجمه روان: سلام بر شما
عبارت: سِتُّونَ أَلْفَ تومان.	عبارت: كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِي؟
ترجمه روان: شصت هزار تومان	ترجمه روان: چقدر است قیمت این پیراهن مردانه
عبارت: عِنْدَنَا بِسِعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تومان. تَفْضَّلِي أَنْظُرِي.	عبارت: أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَشْعَارُ غَالِيَةٌ.
ترجمه روان: داریم به قیمت پنجاه هزار تومان. بفرما نگاه کن.	ترجمه روان: می خواهم ارزانتر از این. این قیمت ها گران است.
عبارت: أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَزْرَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بَنَفْسَجِي.	عبارت: أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟
ترجمه روان: سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش.	ترجمه روان: کدام رنگ را دارید؟
عبارت: تَبْدَأُ الْأَسْعَاذُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفاً إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تومان.	عبارت: بِكَمْ تومان هَذِهِ الْفُسَاتِينُ؟
ترجمه روان: شروع می شود قیمت ها از هفتاد و پنج هزار تا هشتاد و پنج هزار تومان.	ترجمه روان: چند تومان است این لباس های زنانه؟
عبارت: سَيَدَتِي، يَخْتَلِفُ السِّعْرُ حَسَبَ النَّوعِيَّاتِ.	عبارت: الْأَسْعَاذُ غَالِيَةٌ!
ترجمه روان: سرور من، فرق می کند قیمت بر اساس جنس ها.	ترجمه روان: قیمت ها گران است!
عبارت: السَّرْوَالُ الرَّجَالِي بِتِسْعِينَ أَلْفَ تومان، وَ السَّرْوَالُ الْإِسْأَائِي بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تومان.	عبارت: بِكَمْ تومان هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟
ترجمه روان: شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.	ترجمه روان: چند تومان است این شلوارها؟
عبارت: ذَلِكَ مَتَجَزَّزٌ مِثْلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ.	عبارت: أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.
ترجمه روان: آن مغازه همکارم است، دارد شلوارهایی بهتر.	ترجمه روان: می خواهم شلوارهایی بهتر از این.



في مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ ... (در مغازه همکارش)

عبارت: رَجَاءً، أَعْطِنِي سِرْوَالاً مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟	عبارت: صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. أَعْطَيْنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا.
ترجمه روان: لطفاً بده به من شلوازی از این نوع و ... چقدر شد مبلغ؟	ترجمه روان: شد مبلغ دویست و سی هزار تومان. بده به من پس از تخفیف دویست و بیست هزار.

تمارین کتاب درسی

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمه‌های واژه‌نامه درس با توضیحات زیر متناسب است؟)

۱. جَعَلَهُ حَرَامًا: قرار داد آن را حرام
۲. الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: کسی که نیست زنده
۳. الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ: گناهان بزرگ
۴. الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ: کسی که می‌پذیرد توبه را از بندگان
۵. تَسْمِيَةُ الْأَخْرَيْنِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: نامیدن دیگران به اسم‌های زشت
۶. ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْأَخْرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: ذکر کرد آنچه را راضی نیستند به آن دیگران در نبودشان

الْتَمَرِينُ الثَّانِي تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس آنچه را از تو خواسته شده مشخص کن.)

۱. حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (المبتدأ و الخبر)
مبتدا خبر
۲. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (المفعول)
مفعول
۳. اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الفعل الماضي و فعل الأمر)
فعل ماضی فعل امر
۴. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسم التفضيل و الجار و المجرور)
اسم تفضیل جار و مجرور

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ. (ترجمه کن فعل‌ها و مصدرهای زیر را)

المضارع و المستقبل	الأمز و النهي	المضدر	الماضي
يُحْسِنُ: نیکی می‌کند	أَحْسِنُ: نیکی کن	إِحْسَانُ: نیکی کردن	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است
يُقْتَرِبُونَ: نزدیک می‌شوند	لَا تُقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	إِقْتِرَابُ: نزدیک شدن	إِقْتَرَبَ: نزدیک شد
سَيَنْكَسِرُ: خواهد شکست	لَا تُنْكَسِرُ: شکسته نشو	إِنْكَسَارُ: شکسته شدن	إِنْكَسَرَ: شکست
يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	إِسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن	اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست
لَا يُسَافِرُ: سفر نمی‌کند	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن	مُسَافَرَةٌ: سفر کردن	مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم
يَتَعَلَّمَانِ: یاد می‌گیرند	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	تَعَلُّمُ: یاد گرفتن	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تَتَبَادَلُونَ: عوض می‌کنید	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُلُ: عوض کردن	تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید
سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	عَلِّمْ: آموزش بده	تَعْلِيمُ: آموزش دادن	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است

التمرین الرابع أكتب العمليات الحسابية التالية كالمثال: (عمليات رياضي زیر را مانند مثال بنویس:)

- عشرة زائد أربعة يساوي عشرة. (ده به اضافه چهار مساوی است با چهارده)
- مئة تقسيم على اثنين يساوي خمسين. (صد تقسیم بر دو مساوی است با پنجاه)
- ثمانية في ثلاثة يساوي أربعة وعشرين. (هشت ضرب در سه مساوی است با بیست و چهار)
- سبعة و سبعون ناقص أحد عشر يساوي خمسة وستين. (هفتاد و شش منهای یازده مساوی است با شصت و پنج)

$$10 + 4 = 14$$

$$100 \div 2 = 50$$

$$8 \times 3 = 24$$

$$76 - 11 = 65$$

التمرین الخامس عین المخل الإعرابي للكلمات الملوثة. (نقش ترکیبی کلمه‌های رنگی را مشخص کن.)

- ﴿فَآتَزَلَّ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفتح: ۲۶
مفعول مجرور به حرف جر
- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ البقرة: ۲۸۶
فاعل مفعول
- الشكوت ذهب و الكلام فضة. رسول الله (ص)
مبتدا خبر
- أحب عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده. رسول الله (ص)
مبتدا مضاف اليه مجرور به حرف جر خبر
- عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل. أمير المؤمنين (ع)
مبتدا خبر مجرور به حرف جر

التمرین السادس ترجم التراكيب و الجمل التالية، ثم عین اسم الفاعل، و اسم المفعول، و اسم المبالغة، و اسم المكان، و اسم التفضيل. (ترکیب‌ها و جمله‌های زیر را ترجمه کن سپس اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾ الشعراء: ۲۸
اسم مکان اسم مکان
- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ المائدة: ۱۰۹
اسم مبالغه اسم مبالغه
- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ يس: ۵۲
اسم مکان اسم مفعول
- يا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.
اسم فاعل
- يا أَزْهَمَ الزَّاحِمِينَ.
اسم تفضيل اسم فاعل
- يا سَائِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ.
اسم فاعل اسم مفعول
- يا غَفَّارَ الذُّنُوبِ.
اسم مبالغه اسم فاعل

التمرین السابع عین الکلمة الغريبة في کُلِّ مجموعة. (کلمه ناآشنا در هر مجموعه‌ای را مشخص کن.)

- صباح (صبح) مساء (غروب) لیل (شب) میت (مرده)
- عجب (خودپسندی) لحم (گوشت) فسوق (آلوده شدن به گناه) اثم (گناه)
- کبائر (گناهان بزرگ) نساء (زنان) رجال (مردان) اولاد (فرزندان)
- سخر (مسخره کرد) عاب (عیب گرفت) ساعد (کمک کرد) لمر (عیب گرفت)
- أخمر (قرمز) أحسن (نیکوتر) أجمل (زیباتر) أضلج (شایسته‌تر)
- أضفر (زرد) أزرق (آبی) أبيض (سفید) أكثر (بیشتر)

التمرین الثامن ضغ في الفراغ كلمة مناسبة. (در جای خالی کلمه مناسب را قرار بده)

- إشترينا سراويل و قسائين بأسعار رخيصة في المتجر. (خریدیم...شلوارها... و لباس‌های زنانه با قیمت‌های ارزان در مغازه)
- سراويل (شلوارها) أشهر (ماه‌ها) مواقف (ایستگاه‌ها)
- من اغتاب المؤمنين فعليه أن يعتذر إليهم. (هر کس...غیبت کند... مؤمنان را پس او باید عذرخواهی کند از آنان)
- اغتاب (غیبت کند) اتقى (پرهیز کند) مدح (بستاید)



۳. خَمْسَةٌ وَبِشْتُونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَعِشْرِينَ يُسَاوِي... اِثْنَيْنِ وَارْبَعَيْنِ... (شصت و پنج منهای بیست و سه مساوی است با... چهل و دو...)

✓ اِثْنَيْنِ وَارْبَعَيْنِ (چهل و دو) ○ اِثْنَيْنِ وَ سَبْعَيْنِ (هفتاد و دو) ○ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرِينَ (بیست و چهار)

۴. أَرَادَ الْمُشْتَرِي... تَخْفِيفَ... السَّعْرِ. (خواست مشتری... تخفیف... قیمت.)

○ نَوْعِيَّةٌ (نوع) ○ مَتَجَرَّزٌ (مغازه) ✓ تَخْفِيفٌ (تخفیف)

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)

إِسْتَخْرَجَ خَمْسَةَ أَشْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.

جستجو کن پنج اسم تفصیل را از دعای افتتاح

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَقْتَبِیْخُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَ اَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ، وَ اَیْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ فِی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ اَشَدُّ الْمُعَافِیْنَ فِی مَوْضِعِ التَّكَالٍ وَ التَّقِیْمَةِ، وَ اَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِیْنَ فِی مَوْضِعِ الْكِبَرِیِّ وَ الْعَظَمَةِ.

خدایا، من با سپاسگزاری از تو ستایشت را آغاز می‌کنم و تو با مهرورزیات رهنمون به راه درست هستی، باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی مهربان‌ترین مهربانی و در جایگاه کفر و انتقام، سخت‌ترین کیفردهندگان و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگواری، بزرگ‌ترین نیرومندانی.

اَللّٰهُمَّ اَذْنَنْتَ لِیْ فِی دُعَائِكَ وَ مَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ یَا سَمِیْعٌ مِدْحَتِی، وَ اَجِبْ یَا رَحِیْمٌ دَعْوَتِی، وَ اَقِلْ یَا غَفُوْرٌ عَثْرَتِی، فَكَمْ یَا اِلٰهَیْ مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا، وَ هُمُوْمٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَ عَثْرَةٍ قَدْ اَقْلَنْتَهَا، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَ خَلْقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا!

خدایا، در فراخواندنت و درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنوا ستایشم را بشنو و ای مهربان دعایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، ای خدای من، چه بسیار اندوه‌هایی که از آن گره گشودی و غم‌هایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن درگذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردی و زنجیر بلایی که آن را گشودی.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ وَ اَمِیْنِكَ وَ صَفِیْكَ وَ حَبِیْبِكَ وَ خَیْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ حَافِظِ سِرِّكَ، وَ مُبْلِغِ رِسَالَتِكَ اَفْضَلَ وَ اَحْسَنَ وَ اَجْمَلَ وَ اَكْمَلَ وَ اَزْكٰی وَ اَنْمٰی وَ اَطِیْبَ وَ اَطْهَرَ وَ اَسْنٰی وَ اَكْثَرًا صَلَیْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ اَنْبِیَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ اَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَیْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

خدایا، درود بفرست بر محمد، بنده‌ات، فرستاده‌ات، امانتدار، برگزیده‌ات، یارت، بهترین آفریده‌ات، نگاهدار رازت، رساننده پیام‌هایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، بالنده‌ترین، خوب‌ترین، پاکیزه‌ترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستاده‌ای و برکت داده‌ای و مهربانی کرده‌ای و مهرورزیده‌ای و سلام داده‌ای بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل بخشش از آفریدگانت.

پرسش‌های درس اول



الف تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (کلماتی که زیرشان خط است را ترجمه کن.)

- ۱ | ﴿بِئْسَ الْاِسْمُ الْفُسُوْقُ بَعْدَ الْاِيْمَانِ﴾ (خرداد ۱۴۰۲ نوبت عصر) ۱۲ | أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِیْكَ مِثْلُهُ.
- ۲ | ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾ ۱۳ | لَا تَلْقَبُوا الْآخَرِينَ بِالْقَابِ يَكْرَهُوْنَهَا.
- ۳ | ﴿وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ﴾ ۱۴ | حَرَّمَ اللَّهُ الْاسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ وَ تَسْمِيَتِهِمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيْحَةِ.
- ۴ | ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ ۱۵ | التَّجَسُّسُ مُحَاوَلَةٌ قَبِيْحَةٌ لِفَضْحِ النَّاسِ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ.
- ۵ | ﴿بِئْسَ الْاِسْمُ الْفُسُوْقُ بَعْدَ الْاِيْمَانِ﴾ ۱۶ | الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُّلِ بَيْنَ النَّاسِ.
- ۶ | ﴿وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ ۱۷ | سَمَّىٰ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحَجَرَاتِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.
- ۷ | ﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾ ۱۸ | سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟
- ۸ | ﴿أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾ ۱۹ | خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ.
- ۹ | ﴿اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾ ۲۰ | مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.
- ۱۰ | عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ. ۲۱ | مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ.
- ۱۱ | عَلَيْنَا أَنْ لَا نَذْكُرَ غُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ.

ب عین المترادف و المتضاد: (مترادف و متضاد را مشخص کن.)

۲۲	إِثْمٌ / إِسْمٌ / نِعَمٌ / نَعَمٌ / ذَنْبٌ / بَيْسٌ	الف) (..... =)	ب) (..... ≠)
۲۳	خَلَقَ / مَيِّتٌ / حَيٌّ / فَضَحَ / مَيِّتٌ / حَيٌّ	الف) (..... =)	ب) (..... ≠)
۲۴	أَوْسَطُ / عَسَى / ظَاهِرٌ / إِذْنٌ / زَيْمًا / خَفِيَ	الف) (..... =)	ب) (..... ≠)
۲۵	أَسْرَارٌ / أَسْمَاءٌ / جَمِيلٌ / زُمُوزٌ / قَبِيحٌ / سَكِينَةٌ	الف) (..... =)	ب) (..... ≠)
۲۶	مَسَاءٌ / مَشْرِقٌ / لَيْلٌ / مَكْتَبَةٌ / مَنَجَّرٌ / مَغْرِبٌ	الف) (..... =)	ب) (..... ≠)
۲۷	تَابَ / عَابَ / عَاقِلٌ / تَجَسَّسَ / جَاهِلٌ / لَمَزَ	الف) (..... =)	ب) (..... ≠)
۲۸	خَيْرٌ / أَرَادَلِ / أَسْرَارٌ / أَفْضَلُ / أَفْضَلُ / ظَنَ	الف) (..... =)	ب) (..... ≠)
۲۹	تَخْفِيفُ / تَوَاضَلُ / كَلَامٌ / كِبَائِرُ / سُكُوتٌ / إِرْتِبَاطٌ	الف) (..... =)	ب) (..... ≠)
۳۰	قَبِيحٌ / كَرِيمٌ / كَرِيهٌ / صَبَاحٌ / مَسَاءٌ / غَفَّارٌ	الف) (..... =)	ب) (..... ≠)
۳۱	أَهْدَى / شَجَرَ مِنْ / رَحِيصَةٌ / كَرَّةٌ / إِسْتَهْزَأَ بِ / غَالِيَةٌ	الف) (..... =)	ب) (..... ≠)

ج عین مُفْرَدٌ أَوْ جَمْعُ الْكَلِمَاتِ: (مفرد یا جمع کلمات را مشخص کن.)

۳۲	کَمِ سَعَزَ هَذَا الْقَمِيصُ الرَّجَالِي؟ (الجمع):	۳۷	مفرد «الْقَاب»: (شهریور ۱۴۰۲)
۳۳	عَلَيْنَا أَنْ لَا نَذْكُرَ غُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ. (مفرد):	۳۸	مفرد «أَسْمَاء»: (خرداد ۱۴۰۲ نوبت عصر)
۳۴	جمع الكلمة «لَحْمٌ»:	۳۹	جمع «أَفْضَلُ»: (خرداد ۱۴۰۲ غائبین موجه)
۳۵	جمع «نَفْسٌ»:	۴۰	مفرد «بِهَائِمٌ»:
۳۶	مفرد «فَسَاتِينٌ»:	۴۱	جمع «شَهْرٌ»:

الف) طَعَامٌ	ب) طَغَمٌ	ج) مَطْعَمٌ
الف) ذَنْبٌ	ب) أَذْنَابٌ	ج) دُنُوبٌ

د عینِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ: (کلمه ناهماهنگ در هر مجموعه را مشخص کن.)

۴۴	الف) نِسَاءٌ	ب) رِجَالٌ	ج) أَسَاوِرٌ	د) أَوْلَادٌ (شهریور ۱۴۰۲)
۴۵	الف) أَحْسَنُ	ب) أَفْضَلُ	ج) أَطْيَبُ	د) أَخْضَرُ (شهریور ۱۴۰۲ غائبین موجه)
۴۶	الف) أَحْسَنُ	ب) أَجْمَلُ	ج) أَخْمَرُ	د) أَصْلَحُ (خرداد ۱۴۰۲ نوبت صبح)
۴۷	الف) أَضْفَرُ	ب) أَزْرَقُ	ج) أَكْثَرُ	د) أَبْيَضُ (خرداد ۱۴۰۲ نوبت عصر)
۴۸	الف) أَفْضَلُ	ب) أَحْسَنُ	ج) أَسْوَدُ	د) أَكْثَرُ
۴۹	الف) أَبْيَضُ	ب) أَخْمَرُ	ج) أَخْضَرُ	د) أَكْرَمُ
۵۰	الف) إِثْمٌ	ب) فُسُوقٌ	ج) مَيِّتٌ	د) فَضَحٌ
۵۱	الف) تَوَاضَلُ	ب) سُوءُ الظَّنِّ	ج) تَجَسَّسٌ	د) غَيْبَةٌ
۵۲	الف) لَمَزَ	ب) عَابَ	ج) إِسْتَهْزَأَ	د) إِتَّقَى
۵۳	الف) غُيُوبٌ	ب) دُنُوبٌ	ج) صُدُورٌ	د) سَيِّئَاتٌ
۵۴	الف) أَذْكَارٌ	ب) أَسْرَارٌ	ج) زُمُوزٌ	د) غُيُوبٌ
۵۵	الف) مَلْعَبٌ	ب) مَنَزِلٌ	ج) مَطْبَخٌ	د) مَسْؤُولٌ
۵۶	الف) مَنَجَّرٌ	ب) قَمِيصٌ	ج) سِزْوَالٌ	د) فُسْتَانٌ
۵۷	الف) مَرْسَلٌ	ب) نَبِيٌّ	ج) رَسُولٌ	د) مُخْسِنٌ

آلدرس الاول

من آیات الاخلاق

۱ آلوده شدن به گناه

۲ نباید مسخره کند - چه بسا - که باشند

۳ که باشند

۴ عیب نگیرید - لقب های زشت ندهید

۵ بد است - آلوده شدن به گناه

۶ توبه نکند

۷ گناه - جاسوسی نکنید - نباید غیبت کند - یکدیگر

۸ گوشت - مرده - آن را ناپسند می دانید.

۹ بترسید - بسیار توبه پذیر ۱۰ خودپسندی

۱۱ پنهان ۱۲ عیب بگیری

۱۳ لقب ندهید - ناپسند می دانند ۱۴ حرام کرد - نامیدن

۱۵ رسوا کردن - گناهان بزرگ ۱۶ مهم ترین - ارتباط

۱۷ نامیدن ۱۸ سؤال شد - محبوب ترین

۱۹ بهترین - هدیه کند (بگوید) ۲۰ غلبه کند - بدتر

۲۱ بد شد - عذاب داد.

۲۲ الف (اِثْمٌ = ذَنْبٌ) ب (نِعْمٌ ≠ بُسٌ)

۲۳ الف (مَيِّتٌ = مَيِّتٌ) ب (مَيِّتٌ، مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ)

۲۴ الف (عَسَى = زُبْمَا) ب (ظَاهِرٌ ≠ خَفِيٌّ)

۲۵ الف (أَشْرَارٌ = زُؤْمُوزٌ) ب (جَمِيلٌ ≠ قَبِيحٌ)

۲۶ الف (مَسَاءٌ = لَيْلٌ) ب (مَشْرِقٌ ≠ مَغْرِبٌ)

۲۷ الف (عَابٌ = لَمَرٌ) ب (عَاقِلٌ ≠ جَاهِلٌ)

۲۸ الف (خَيْرٌ = أَفْضَلٌ) ب (أَرَاذِلٌ ≠ أَفَاضِلٌ)

۲۹ الف (ارْتِبَاطٌ = تَوَاصُلٌ) ب (شُكُوتٌ ≠ كَلَامٌ)

۳۰ الف (قَبِيحٌ = كَرِيهٌ) ب (صَبَاحٌ ≠ مَسَاءٌ)

۳۱ الف (سَجَرَ مِنْ = اسْتَهْزَأَ بِ) ب (رَخِيصَةٌ ≠ غَالِيَةٌ)

۳۲ أشعار ۳۳ عیب

۳۴ لُحُومٌ ۳۵ أَنْفُسٌ

۳۶ فُشْتَانٌ ۳۷ لَقَبٌ

۳۸ إسم ۳۹ أَفَاضِلٌ

۴۰ بَهِيمَةٌ ۴۱ أَشْهُرٌ

۴۲ مَطْعَمٌ ۴۳ ذُنُوبٌ

۴۴ بررسی گزینه ها:

الف) زنان × (ب) مردان × (ج) دستبندها ✓ (د) فرزندان ×

۴۵ بررسی گزینه ها:

الف) بهتر × (ب) برتر × (ج) پاک تر × (د) سبز ✓

۴۶ بررسی گزینه ها:

الف) بهتر × (ب) زیباتر × (ج) قرمز ✓ (د) شایسته تر ×

۴۷ بررسی گزینه ها:

الف) زرد × (ب) آبی × (ج) بیشتر ✓ (د) سفید ×

۴۸ بررسی گزینه ها:

الف) برتر × (ب) نیکوتر × (ج) سیاه ✓ (د) بیشتر ×

۴۹ بررسی گزینه ها:

الف) سفید × (ب) قرمز × (ج) سبز × (د) گرمی تر ✓

۵۰ بررسی گزینه ها:

الف) گناه × (ب) آلوده شدن به گناه ×

(ج) مرده ✓ (د) رسوایی ×

۵۱ بررسی گزینه ها:

الف) ارتباط ✓ (ب) بدگمانی ×

(ج) جاسوسی کردن × (د) غیبت کردن ×

۵۲ بررسی گزینه ها:

الف) عیب گرفت × (ب) عیب گرفت ×

(ج) مسخره کرد × (د) پرهیز کرد ✓

۵۳ بررسی گزینه ها:

الف) عیب ها × (ب) گناهان × (ج) سینه ها ✓ (د) بدی ها ×

۵۴ بررسی گزینه ها:

الف) ذکرها ✓ (ب) رازها × (ج) رمزها × (د) غیب ها ×

۵۵ بررسی گزینه ها:

الف) ورزشگاه × (ب) خانه ×

(ج) آشپزخانه × (د) مسؤول ✓

۵۶ بررسی گزینه ها:

الف) مغازه ✓ (ب) پیراهن × (ج) شلوار × (د) لباس زنانه ×

۵۷ بررسی گزینه ها:

الف) فرستاده شده × (ب) پیامبر ×

(ج) پیام آور × (د) نیکوکار ✓

۵۸ بهتر از خوبی، انجام دهنده آن است و زیباتر از زیبا، گوینده آن است.

۵۹ قطعاً در سوره حجرات دو آیه است که خدا در آن دو، مسخره کردن

دیگران را حرام کرده است.

۶۰ بدترین مردم افراد دورو هستند.

۶۱ خداوند بلندمرتبه، مسخره کردن دیگران را حرام کرده است.

۶۲ کشف اسرار مردم برای رسوا کردنشان از گناهان بزرگ در مکتبمان است.

۶۳ ای کسانی که ایمان آوردید از بسیاری از گمان ها پرهیز کنید.

۶۴ بر خودتان عیب مگیرید و لقب های زشت ندهید.

۶۵ جاسوسی نکنید و غیبت یکدیگر را نکنید.

۶۶ پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را بیمار و به ما رحم کن و تو بهترین

رحم کنندگانی.

۶۷ شب قدر از هزار ماه بهتر است.

۶۸ همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد آگاه تر است.

۶۹ خداوند هیچ شخصی را جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.

۷۰ همانا تو بسیار دانای غیب ها هستی.

۷۱ گاهی میان مردم کسی هست که بهتر از ماست.



- ۱۰۵ پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگانی. خَیر: اسم تفضیل / الرَّاحِمین: اسم فاعل
- ۱۰۶ نهار را در رستورانی نزدیک ایستگاه قطار خوردم. مَطْعَم و مَوْقِف: اسم مکان
- ۱۰۷ من از صبح تا شب در کارخانه‌ای کنار خانه دوستم کار می‌کنم. مَضَنع و مَثَل: اسم مکان
- ۱۰۸ همانا تو بسیار دانای غیب‌ها هستی. عَلَام: اسم مبالغه
- ۱۰۹ پروردگار مشرق و مغرب. مَشْرِق و مَغْرِب: اسم مکان
- ۱۱۰ ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد. الْمُحْسِنین: اسم فاعل
- ۱۱۱ ای مهربان‌ترین مهربانان. أَرْحَم: اسم تفضیل / الرَّاحِمین: اسم فاعل
- ۱۱۲ ای پوشاننده هر عیب‌داری. سَاتِر: اسم فاعل / مَعِیُوب: اسم مفعول
- ۱۱۳ الشُّكُوت: مبتدا / فِضَّة: خبر
- ۱۱۴ الخُلُق: مضاف الیه / نَصَف: خبر
- ۱۱۵ العُجَب: مجرور به حرف جر / عُیُوب: مفعول / الآخرین: مضاف الیه / بَکَلَام: جار و مجرور / خَفِی: صفت
- ۱۱۶ أَحْسَن: مبتدا / الرَّجُل: مضاف الیه / السَّکِینَةُ: خبر / إیمان: مضاف الیه
- ۱۱۷ أَفْضَل: مبتدا / الأعمال: مضاف الیه / الکسب: خبر / مِن الخلال: جار و مجرور
- ۱۱۸ شَهْوَة: فاعل / عَقَلَ: مفعول / شَرُّ: خبر / مِن البَهاائم: جار و مجرور
- ۱۱۹ مَکْتَبَة: مبتدا / فی خوزستان: جار و مجرور / أَکْبَرُ: خبر / مَکْتَبَة: مضاف الیه / العالمین: مجرور به حرف جر / القدیم: صفت
- ۱۲۰ فی المیزان: جار و مجرور / الحَسَن: صفت
- ۱۲۱ أَحَبُّ: مبتدا / الله: مضاف الیه / إلی الله: جار و مجرور / أَنْفَع: خبر / لِعِبَاد: جار و مجرور
- ۱۲۲ الله: فاعل / سَکِینَة: مفعول / علی رَسول: جار و مجرور / المؤمنین: مجرور به حرف جر
- ۱۲۳ الله: فاعل / نَفْسًا: مفعول
- ۱۲۴ مَرَقَد: مجرور به حرف جر / الرَّحْمَنُ: فاعل / المُرْسَلون: فاعل
- ۱۲۵ اخراج می‌کنند
- ۱۲۶ نزدیک نشو
- ۱۲۷ یشکن
- ۱۲۸ خارج کردن
- ۱۲۹ گاهی یاد می‌گیرد
- ۱۳۰ یاد نمی‌دهد
- ۱۳۱ بحث نکن
- ۱۳۲ آموزش خواهم خواست
- ۱۳۳ نامه‌نگاری کردن
- ۱۳۴ نیکی کنید
- ۱۳۵ آموزش خواهید.
- ۱۳۶ نیکی می‌کند.
- ۱۳۷ نزدیک شد.
- ۱۳۸ مسافرت نکن.
- ۱۳۹ بیاموز.
- ۱۴۰ اسم تفضیل (أَحْسَن) بر وزن «أَفْعَل»
- ۱۴۱ اسم مکان (مَثَر) بر وزن «مَفْعَل»
- ۱۴۲ جاسوسی کردن: همان تلاش زشت برای کشف رازهای مردم برای رسوا کردنشان است. ✓
- ۱۴۳ تلاش برای دانستن رازهای دیگران کاری زیباست. ✗
- ۱۴۴ برخی مفسران سوره حجرات را به عروس قرآن نامگذاری کردند. ✗

- ۷۲ بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت است.
- ۷۳ جاسوسی کردن، تلاشی زشت برای کشف نمودن رازهای مردم است.
- ۷۴ بدگمانی، تهمت زدن شخصی به شخص دیگر بدون دلیل منطقی است.
- ۷۵ هرگاه افراد پست به قدرت برسند دانشمندان هلاک می‌شوند.
- ۷۶ غیبت آن است که برادر و خواهرت را به آنچه ناپسند می‌شمارند یاد کنی.
- ۷۷ بهترین زینت مرد آرامش همراه با ایمان است.
- ۷۸ برترین کارها کسب [درآمد] از [راه] حلال است.
- ۷۹ خداوندا همان‌طور که آفرینش را نیکو گردانیدی پس اخلاقم را [نیز] نیکو گردان.
- ۸۰ در ترازوی اعمال چیزی سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست.
- ۸۱ به مغازه همکارم برو، او شلوارهای بهتری دارد.
- ۸۲ کتابخانه «جندی شاپور» بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان است.
- ۸۳ (۲). «لا تَعیبُوا» به معنای «عیب مگیرید» است.
- ۸۴ (۱). «أَهَمُّ» اسم تفضیل به معنای «مهم‌ترین» است.
- ۸۵ (۲). «أَكْبَرُ» اسم تفضیل به معنای «بزرگ‌ترین» است.
- ۸۶ (۲). «السُّخْرِيَّة مِنَ الآخرین» به معنای «مسخره کردن دیگران» است نه «مسخره کردن از دیگران».
- ۸۷ (۲). «لِلنَّاس» به صورت «برای مردم» ترجمه می‌شود که در گزینه اول نیامده است.
- ۸۸ (۲). «إِغْتَابَ» به معنای «غیبت کند» صحیح است.
- ۸۹ قومی، قومی دیگر را - بهتر از ایشان
- ۹۰ آلوده شدن به گناه - انجام دهد
- ۹۱ این دو آیه - حرام کرده است.
- ۹۲ برای دانستن - زشت
- ۹۳ بهتر - گوینده‌اش
- ۹۴ بدترین - دو رو
- ۹۵ هرکس توبه نکند پس آنان از ستمگرانند. الظَّالِمون: اسم فاعل
- ۹۶ تقوای الهی پیشه کنید همانا خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است. تَوَّاب: اسم مبالغه
- ۹۷ گاهی میان مردم کسی هست که بهتر از ماست. أَحْسَن: اسم تفضیل
- ۹۸ جاسوسی از گناهان بزرگ در مکتب ماست. مَکْتَب: اسم مکان
- ۹۹ غیبت از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است. أَهَمُّ: اسم تفضیل
- ۱۰۰ برخی مفسران سوره حجرات را به سوره اخلاق نام‌گذاری کردند. الْمُفَسِّرین: اسم فاعل
- ۱۰۱ بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیب بگیری که مانند آن در خودت است. أَكْبَرُ: اسم تفضیل
- ۱۰۲ هرگاه افراد پست صاحب قدرت شوند دانشمندان هلاک می‌شوند. أَرَادِل و أَفَاضِل به ترتیب جمع أَرْدَل و أَفْضَل: اسم تفضیل
- ۱۰۳ بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست. خَیر و أَوْسَط: اسم تفضیل
- ۱۰۴ بهتر از خوبی، انجام‌دهنده آن و زیباتر از زیبا، گوینده‌اش است. خَیْر و أَجْمَل: اسم تفضیل / فاعِل و قائل: اسم فاعل